

(۴۰۰ هزار

دریال

دو آنداز احمد مسٹر الپیغمبر



۱= مسائیلی چند درباره قاریخ بالشویم
۲= پیغامون مسلمان اسلامی از ایران و تا کنیت

۳= مسائیلی چند درباره قاریخ بالشویم



سیاہ مان کا بگران میما روز ایران

مساولی چند

در باده قاریخ بالشویسم

سانترا لیسم برای خودداری از یک مبارزه همه جانبه
علیه آبودتونیسم میباشد . طبق این نظر لشیون
در دوران جنگ هنوز یک بشویک حقیقی نبوده و اوفه
هنکام جنگ امپریالیستی و یا حتی اواخر این جنگ یک
 بشویک راستین شده است .

این چیزیست که سالوتکی در مقاومت میگوید و شما
تجای آنکه این " تاریخ نویس " تازه بدروان رسیده را به
عنوان یک مفتری و متقلب معرفی نمایند با او وارد مبارزه
شده و به او میدهید . من نمیتوانم از اعتراض
برای بحث خوددا ری ننمایم . زیرا مسئله بشویسم لشیون
و اینکه آیا او مبارزه آشنا نباشد را علیه سانترا لیسم
بعنوان شکل مشخصی از آبودتونیسم شروع کردیا نه ؟ و اینکه
آیا لشیون یک بشویک واقعی بوده یا نه ؟ نمیتواند
موضوعی برای بحث باشد . در اظهار ربه تا ن که به امضاء
هیئت تحریریه رسیده و در ۲۰ اکتبر به کمیته مرکزی
فرستاده اید قبول کرده اید که هیئت تحریریه اشتباہ کرده
که مقاومت سالوتکی را بعنوان موضوعی برای بحث
جایگزده است . این مسلماً خوبست اگرچه اظهار ربه تا
هیئت تحریریه خلی دیر به چاپ رسید . امادر اظهار ربه تا
شما مرتب خطای جدید میشود . آنچه که شما اعلام
میکنید ، " هیئت تحریریه تحقیق و روشن شدن مسائل
غایضی را که بین بشویکها و انترنا سیونال دوم قابل
از جنگ سایه افکنده را در مجله " پرولتا رسکار ولوسیا " از
لحاظ سیاسی بشدت ضروری و لازم میداند ". این بدینه

نامه به هیئت تحریریه مجله

" پرولتا رسکار ولوسیا " (۱)

رفتاری عذریزیز ! من مؤکدا " بر علیه انتشار مقاله " خد حزبی و شبهه
تروتسکیستی اسلوتسکی تحت عنوان " موضوع بشویکها در مورد
سوییل دموکراسی آلمان در مرحله قبل از جنگ که در مجله
" پرولتا رسکار ولوسیا " شماره ۶۰ سال ۱۹۳۵ بعنوان
موضوعی برای بحث چاپ شده است اعتراض دارم .
اسلوتسکی اظهار دیدار که لشیون (بشویکها) خطبر
سانترا لیسم دوآلمان و بطرورکی در مرحله سوییل
دموکراسی قبل از جنگ را دست کم گرفته است . این بدینه
معنی است که او خطبر آبودتونیسم را دست کم گرفته است . بعد از
بدیری با آبودتونیسم را دست کم گرفته است . بدینه
دیگر سالوتکی چنین نمایان میسازد که گویا لشیون
(بشویکها) هیچگونه مبارزه آشنا نباشد را علیه
آبودتونیسم رهبری نکرده است ، زیرا کم بهادران

معنی است که شما دارید توجه مردم را به بحث درمورد مساوی معطوف دارد که از بدینها بنشویم هستند. این بین معنی است که شما در فکر آن هستید که موضوع بشویم لتنین را از یک امر بدینها به مشکله ای تبدیل کنید که اشتباه به "بررسی و تحقیق دوباره" دارد.

چرا؟ و به چه دلیل؟ بزمکان روش است که لتنین را در مسأله خستگی تایپر با انواع اپورتونيسم و از حمله علیه سانترالیسم در غرب (کائوتسکی) و سانترالیسم در همینه (تروتسکی و دیگران) بوجود آمده، رشد نموده و قسوی شده است. این موضوع حتی نمیتواند از طرف دشمنان مستفیض بشویم نباید نه گردد، این امریست بدینها. اما شما با تبدیل موضوع بدینها به امری قابل "بررسی مجدد" سعی میکنید مارابه عقب برگردانید. چرا؟ و سه چه دلیل؟ شاید بخطاط ناشناختی به تاریخ بشویم؟ و شاید بخاطر یک لیبرالیسم کنیده برای آنکه سالوتسکی و دیگر شاگردان تروتسکی نتوانند بگویند که سویال دموکرات آلمان تتعقیب میباشد. هر بشوی بخوبی میداند که درست بهمین دلیل بسود که حتی در آن موقع (۱۹۵۳ - ۱۹۵۴) در صفواف اپورتونيست های بین الملل دوم، بشویکها به "انشاگر" و "خوابکار" ملقب شدند. اما زمانیکه چههای سویال دموکراسی در انترنا سیونال دوم و بخصوص در سویال دموکراسی آلمان یک گروه ضعیف و فاقد نیروی بودند، لتنین چه کاری میتوانست آنها دهد یا بشویکها چه کاری میتوانستند کنند. آنهم در مورد گروهی بسیار کم شکل سازمانی و از لحظه این‌تلوزی بی‌صلاح، تا آنچه که حتی از بیان کلمه "انشاء" و "جاداش" هم ترس داشتند. نمیتوان این موضوع را از لتنین و بشویکها خواست که میباشی از داخل رسیه کار چه ها را بسرا آلمان و اپورتونيسم بین الملل دوم قبل از جنگ نداشته است. شما میخواهید در مورد این تر تروتسکیستی سالوتسکی

بحث نهادید؟ درا بسورد چه جزئی برای بحث وجود دارد؟ آیا این روش، بیست که سالوتسکی خلی ساده به لتنین افترا میزند؟ یک افترا را بایستی انسان از بین ببرد نمیشه آنکه آنرا موضوع بحث قرار دهد. هر بشویکی که واقعاً بشویک است، میداند که لتنین خلی قبل از جنگ، تقریباً از سال ۱۹۴۱-۱۹۴۳ هنکه میکه گروه بشویکی در رسیه شکل گرفت و زمانیکه جبههای در سویال دموکرات آلمان برای اولین بشویکی در سویال دموکرات از اپورتونيسم را چه در آنها در بین الملل دوم و بخصوص در حزب رسیه و چه در آنها در بین الملل دوم و بخصوص در حزب سویال دموکرات آلمان تتعقیب میباشد. هر بشوی بخوبی میداند که درست بهمین دلیل بسود که حتی در آن موقع (۱۹۵۳ - ۱۹۵۴) در صفواف اپورتونيست های بین الملل دوم، بشویکها به "انشاگر" و "خوابکار" ملقب شدند. اما زمانیکه چههای سویال دموکراسی در انترنا سیونال دوم و بخصوص در سویال دموکراسی آلمان یک گروه ضعیف و فاقد نیروی بودند، لتنین چه کاری میتوانست آنها دهد یا بشویکها چه کاری میتوانستند کنند. آنهم در مورد گروهی بسیار کم شکل سازمانی و از لحظه این‌تلوزی بی‌صلاح، تا آنچه که حتی از بیان کلمه "انشاء" و "جاداش" هم ترس داشتند. نمیتوان این موضوع را از لتنین و بشویکها خواست که میباشی از داخل رسیه کار چه ها را بسرا آنها انجام دهند و انسانی در احزاب غربی بوجود

آوردند.

گذشته از این، این حقیقتی است که ضعف تشکیلاتی و ابدئولوژیکی بیک مفت مشخصه سوسیال دموکراسی چپ نشنه در دوران قبل از جنگ، بلکه بعد از آن هم بوده تنها در پیش از نکات عده‌ای که لبین در نوشته خود است همه از نکات عده‌ای که لبین در نوشته خود "درباره مقاله" بیونیوس "(۲)" که در اکتبر ۱۹۱۶ یعنی پیش از دوسال بعد از شروع جنگ منتشر شده با خبرند. درین مقاله لبین از پیکری اشتباهات جدی و سیاسی که سوسیال دموکرات‌ها چپ آلمان مرتكب شده‌اند انتقاد میکند و از "ضعف همه" جبهه چپ آلمان که بطور همه جانبه‌ای در تاریخ فسا دو ریا کاری، افوا نبین متحجسر، راحت طلبی و ابودستیسم کائوتسکی گیرگرده‌اند" صحبت میکند. او ادا مه میدهد که: "بیونیوس هنوز خود را کا ملا" از حال و هوای آلمان حتی سوسیال دموکرات‌های چپ آلمان رها نساخته است، آنها شیکه از انشاعاب خوف دارد و میترسند که شعارهای انقلابی را تابه آخوند ادانایند. "(۳)

از تمام گروههای انترنا سیویال دوم، بلشویکهای روی دار نمودن تنها گروهی بودند که بواسطه تحریکهای تشكیلاتی و تسلیحات ابدئولوژیک قادربودند اقدام جدید در مورد گستن و انشاعاب از دویزیونیسم حرب سوسیال دموکرات روس بعمل آوردند. حال اکثر سالوتسکی میکوشند که اینکه ثابت کند، بلکه بطور خیلی ساده غرض کنند که لبین و بلشویکهای روسی تمام سی و کوشش خود را برای گستن از فرصت طلبان و پلٹنف، مسارا رتف دهند؟ این تصریر لبین و بلشویکهای روسی نبود که

سوپیال دموکرا تھا چب در غرب ثا بت نمودند که نا پخته شر
 از آئند که از بلوشیکها روسی پیتروی نما بند
 ۳ - سلوتسکی ، لینین و بلوشیکها را ملامت میکند که
 چرا از سوپیال دموکرا تھا چب آلمان قلبا " و با عذری
 داشت پشتیبانی نکرداد ؟ چرا پشتیبانی آنها با قبیله
 شرط بوده است ؟ چرا منافع گروهی مانع از آن شده است
 که پشتیبانی همه جانبه از جبهه چب آلمان بعضی
 آورد ؟
 شما میخواهید این و راجی و افترای سراپا دروغ را مسود
 بحث فرا دهید . اما در اینجا چه چیزی برای بحث وجود
 دارد ؟ آیا این روش نیست که سلوتسکی کوشش مینمایید
 بوسیله این افترای بزرگ علیه لینین و بلوشیکها ، شکافها
 و اشکالات واقع جبهه چب آلمان را بزدید پوشی
 نماید .
 آیا این واضح نیست که بلوشیکها نمیتوانند بدون
قید و شرط از جبهه چب آلمان که دائما " بین بلوشیکها
 و منشویکها در نوسان بوده ، بدون استفاده جسدی . از
 اشتباهات خود پشتیبانی نمایند . اگر بلوشیکها غیر
 از این عمل میکرند همانا به طبقه کارکر و انقلاب
 اتفاق افتاد ، هردو آنها سفع منشویکها و برض
 بلوشیکها رای دادند . آنها بلوشیکها را متهم کردند که
 این القاب و صفات عالمانه و عاری از ذوق را منشویکها
 گرفته و بطور وسیع درسرا سر جهان پخش نمودند .
 ب - در سال ۱۹۰۵ اختلافات بین بلوشیکها و منشویکها بر
 سر مسئله خصلت انقلاب روس توسعه یافت . بلوشیکها روس
 از اتحاد بین طبقه کارکر و دهقان تحت رهبری پرولتا ریب
 حاصل میکردند . آنها میگفتند که هدف باید بسیک
 دیکتا توری استقلالی - دموکرا تیک از بدولت ریا و دهقانان
 بمنظور کذا رسی و فده از انقلاب بورژوا - دموکرا تیک بـ
 ملامت . آیا کسانی هستند که به این موضوع شک کنند .

اجازه دهید به واقعیات را دیگری که همه از آن با خبرند
 مراجعت کنیم .
 اف - در سال ۱۹۰۴ اختلافات جدی بین بلوشیکها و منشویکها
 در دروسیه برسر عضویت در حزب بوجود آمد . بلوشیکها
 با فروشا ن در اینضمره میخواستند سدی تشکلاتی در سراسر
 نفوذ عناصر غیر پرولتری بداخیل حزب بوجود آورد . خطیر
 بینی نفوذی در آن زمان با درنظر گرفتن خلقت بـ سوپیال
 دموکرا تیک انقلاب روس یک امر واقعی بود - منشویکها
 از نظرات عکس آن حمایت میکردند . نظرای تیکه در همان
 حرب را چا ر طاق برسی عناصر غیرپرولتری بازمیگزند
 از نقطه نظر اهمیت مسائل انقلاب روس برای جنبش جهانی ،
 سوپیال دموکرا تھا اردوپایی غربی تصمیم گرفتند پادشاهی
 کنند . رهبران آن موقع سوپیال دموکرا سی چب در آلمان :
 باروس (۴) و راز المکرا مبورک نیز دخالت کردند . و چه
 اتفاق افتاد ، هردو آنها سفع منشویکها و برض
 بلوشیکها رای دادند . آنها بلوشیکها را متهم کردند که
 این تھابیات ماقصود سانترالیسم و بلانکیستی دارند . نتیجه
 این القاب و صفات عالمانه و عاری از ذوق را منشویکها
 گرفته و بطور وسیع درسرا سر جهان پخش نمودند .
 ب - در سال ۱۹۰۵ اختلافات بین بلوشیکها و منشویکها بر
 از اتحاد بین طبقه کارکر و دهقان تحت رهبری پرولتا ریب
 حاصل میکردند . آنها میگفتند که هدف باید بسیک
 بخاراط این موضوع باید آنها مورد تشویق قرار گیرد نمودند ،
 ملامت . آیا کسانی هستند که به این موضوع شک کنند .

انقلاب سوسیا لیستی با حما بیت و پیشتبانی دهقا نان فقیریک
 باشد . منشویکهای روپیه ، ایده انقلاب بورژوا - دمکراتیک
 تحت رهبری پرولتا ریا را درکرد و بجا سیاست است اتحاد
 بین طبقه کارگر و دهقا ن آنها سیاست مبنی بر توافقی
 و اتحاد با بورژوازی لیبرال را ارجح شمردند . و اظهار
 میدا شتند که دیکتا توری انقلابی - دموکرا تیک پرولتا ریا
 و دهقا ن یک بردا مه ارجاعی بلاتکیستی است که مخالف
 با تکامل انقلاب بورژوازی است . کراس سوسیسیک
 دموکرا سی چپ آلمان ، گراس و نقطه نظر روس
 با تکامل انقلاب بورژوازی این مباشه و مبارده چه بود ؟
 و روز المکرا مبود ددمود این مباشه و مبارده چه بود ؟
 آنها یک بردا مه اتوپی و شبه منشویکی از انقلاب
 مدام را اختراع نمودند (یک نموده تحریف شده زانقلاب
 طارکیستی) ، که با سیاست رد اتحاد بین پرولتا ریسا
 و دهقا ن منشویکها درهم آمیخته شدو آنها این بردا مه
 را در مقابل بردا مه دیکتا توری انقلابی - دموکرا تیک
 پرولتا ریا و دهقا ن بلشویکها قراردادند . و آخرا امر
 این بردا مه شبه منشویکی انقلاب مدام بوسیله تروتسکی
 افتبا س کردید (و تاندازهای بوسیله مارت) و بعنوان
 اسلحهای در مبارزه برض لینینیم کا رفت .
 ج - در دوران قبل از جنگ یکی از جنی ترین مسائلی که
 در بیش روی احزاب اشتراکی سیویل دوم قرارداشت مسئله
 ملی و استعما ری بود ، مسئله ملی تحت ستم و مستعمرات
 و مسئله آزادی این ممل و اینکه از چه راهی با پیشنهاد
 مبارزه بر علیه امپریالیسم را پیش برد .
 بخاطر منافع در حال توسعه انقلاب پرولتری و محاصره

امپریالیسم ، بلشویکها سیاست حما بیت از جنبش آزادیبخش
 ملل تحت ستم و مستعمرات را بر مبنای حق تعیین سرنوشت
 بینشها د کرده و ایجاد و گسترش جبهه ای متعدد بین انقلاب
 پرولتری کشورهای پیشرفت و جنبشها ا انقلابی آزادیبخش
 مردم مستعمرات و کشورهای تحت ستم را پیش کشیدند .
 ا پورتوفینشها تھام کشورها ، و سوسیا ل شونینشها و
 سوسیا ل - امپریالیستهای همه کشورها بر ضد بلشویکها
 در این مسئله خود را سریعا " مسلح نمودند . بلشویکها
 را مانند سکهای دیوانه مورد اذیت و آزار قراردادند .
 سوسیا ل دموکرا سی چپ در آن موقع چه نقطه نظری اتحاد
 نمود ؟ آنها یک فرضیه شبه منشویکی درباره امپریالیسم
 بوجود آوردند . اصل حق تعیین سرنوشت ملل بمفعه و
 طارکیستی اش را درکردند (که شامل حق جدا شی و تشکیل
 دولت جدا کانه نیز میشود) ، این تزرا که جنبشها
 آزادیبخش در مستعمرات و کشورهای تحت ستم دارای اهیت
 بزرگ انقلابی هستند و کردند . و تزی را که ایجاد جمعه
 متحد بین پرولتا ریا ا انقلابی و جنبشها آزادیبخش ملی
 را امکان پذیر میدانست نیز دندمودند ، و تھام این
 ا را جیف شبه منشویکی را که چیزی نبود جز دست کم گرفتند
 مسائل ملی و استعما ری ، برض بردا مه طارکیستی بلشویکها
 علم کردند . و همین ا را جیف شبه منشویکی بود که بعدا " مورد استفاده تروتسکی قرار گرفت و آنرا بعنوان اسلحهای
 برض لینینیم کا دری . اینها اشتباهاتی کلی و همه
 دانسته ایست که سوسیا ل دموکرا تھای چپ در آلمان مرتكب
 شدند .

احتیاج نیست که من از سایر اشتباهات سوپریور دمکراسی را
جب آلمان که بطری جدی بوسیله لئین مورد انقلاب فرار کرد
گرفته صحبت کنم احتیاج هم نیست که از اشتباهی صحبت
کنیم که آنها در مود از زیارتی از سیاست بلشویکی
در دوران انقلاب اکتبر مرتب شدند .
این اشتباهات و جنبه جب آلمان که از تاریخ قبیل
از جنگ گرفته شده ، چه جزی را نشان میدهد ؟ مکرر
این است که نشان میدهد سوپریور دمکراسی جب آلمان
علی‌غم جب بودش هنوز خود را از قید مشویسم داشت
نسا خنه است .
البته اسنا دجب در آلمان نشان شامل اشتباهات جدی
آنها نمیشود ، آنها اعمال کا ملا " انقلاب و مهیی نیز
در پرونده دارد . من خدمات متعددی را میتوانم در مورد
اعمال انقلابی آنها برگشم که در رابطه با مسائل
سیاسی داخلی و بخصوص مبارزه انتخاباتی داشته اند ،
اما این باعث محظوظ نیست که برش اینها در داخل و خارج بر این
عمومی ، جنگ ، انقلاب ۱۹۱۷ روسیه و غیره ، بهمی
علت است که بلشویکها آنها را جب نامیده و از آنها
همایت کرده و بحلومنرا نیزند . اما این باعث محظوظ نیست
این حقیقت نمیشود که در عین حال سوپریور دمکراسی
جب در آلمان مرتب اشتباهات جدی سیاسی و نژادی
گردید و اینکه آنها هنوز خود را از زیربار مشویکه
آزاد نداشتند و بنابراین احتیاج به انتقاد دشید از طرف
بلشویکها را داشتند .
حال خود حس بزینید که آیا لئین و بلشویکها میشنندوا

از سوپریور دمکراسی جب در غرب بدون قید و شرط و بسیار
انقلابی از اشتباهات نشان بنشتبانی نمایند . و آیا
این خیانت بمنافع طبقه کارگر و خیانت بمنافع انقلاب
و خیانت بکمونیسم نبود اگر غیر از این عمل میتمودند .
آیا واضح نیست که اسلوتسکی لئین و بلشویکها را بخاطر
چیزیکه با پیشی بخاطران تحسین شدند ملتمشا نمیکنند .
اسلوتسکی اکرم هم بلشویک باشد خود را بعنوان یک شیوه
مشویک و یک پیرو و تروتسکی در اینجا بخوبی نشان میدهد .
اسلوتسکی فرض میکنند که لئین و بلشویکها در انقلاب
از جب در غرب بر مبنای ملاحظات گروهی موضع کمیری نموده اند
و در نتیجه بلشویکهای روسی کاراسی و انقلاب بین
المللی را فدای منافع گروهی خوندموده اند . پرواپر
است که ازین کاذبه تر و منزجر کننده ترا نمیتوان
تصور اسی پیدا کرد ، چه حتی بپردازی قرص ترین مشویکهای
شروع بدرو این موضوع کرده اند که انقلاب روس یک انقلاب
خصوصی روسیه نیست ، بالعکس این کاراسی طبقه کارگر
سرا سر جهان و مسئله انقلاب پرولتری جهان است . هیچ
چیز منزجر کننده ترا ذین نیست ، چه حتی مفتریان حرفا ای
انشرنا سیوشا لیسم کامل و انقلابی و قاطع بلشویکهای
نموده بست برای انشرنا سیوشا لیسم پرولتری برای
کارکران همه کشورهای جهان .
بله بلشویکها روسی ، مسائل اساسی انقلاب روسی
را مانند مسائل حزب ، مواضع مارکسیستها در مقابله
انقلاب بورژوا ای ، مسائل اتحادیین طبقه کارگر و دهقان

انقلابی بین الملکی فراز میدهد " (۵) سی سال از زمان
استشار و ساله " چه باید کرد ؟ " گذشته است ، هیچگی
جوشت آنرا نداد این موضوع را انکار کند که حسوا داشت
این دوره بطور درخشانی کلمات لبین را با شبات ساده اند .
آیا این امر نتیجه گرفته نمیشود که انقلاب روس نقطه
گرمی انقلاب جهانی بوده (خواهد ماند) ، که مسئل اسما سی
انقلاب روس در عین حال مسئل اساسی انقلاب جهانی بوده
(و هنوز هم هست) ؟ آیا این دو شیوه نیست که شنید
از طریق این مسئل اساسی بود که امکان داشت پیک آزمایش
واقعی از خصلت انقلابی سوسیال دموکراستی چپ در غرب
عمل آورد ؟ آیا این واضح نیست که کسانی که این
مسئل را " گروه‌بندی " مینماند خود را بخوبی بعنوان
دروگنو و احمق نشان میدهند ؟

۳ - اسلوتسکی اطهار میدارد که تاکنون با ندازه کافی
مدارک و اسناد رسمی پیدا نشده که دال بر مبارزه قاطع
و خستگی ناپذیر لبین (اولشویکها) بر علیه سنتریسم
باشد . او این تئور بود و کراستیک را بعنوان یک سند غیر
قابل انکار بنظر این مسئله که لبین و بلشویکها خطر
سازتر بیشتر در انتزاع سیوتا دوم را داشت کم گرفته اند
بکار میکرد و شما میخواهید درباره این مزخرفات ، این
سفسطه و مغلطه بی شرعا نه بحث نمائید . آیا واقعاً
چنین برای بحث وجود دارد . آیا این واضح نیست که
اسلوتسکی میکوشد و رشستگی و کذب با عطا فرضیه اش را
بدین وسیله بپوشاند ؟

رهبری پرولتا ریا ، مبارزه در داخل و خارج پارلمان
اعتراضات عمومی ، مسئله رشد انقلاب بودزوا - دمکراستیک
و کذا و آن به انقلاب سوسیالیستی ، دیکتاتوری پرولتا ریا
امیریا لیسم ، حق تعیین سرنوشت ملل ، جنبش آزادی پیش
ملل تحت ستم در مستعمرات و سیاستها بیت ازین جنبشهای
و غیره را مقدم برهمه چیز قراردادند . آنها این‌گویند
مسائل را بعنوان سنگ مکی برای آزمایش بینیه ، انقلابی
سوسیال دمکراتی چب در غرب قراردادند . آیا آنها حین
اینکار را داشتند ؟ بلله داشتند .

آبها نه تنها حق داشتند ، بلکه وظیفه شان بود که
جنین کنند . این وظیفه آنها بود چون همه این مسائل
مسائل اساس انقلاب جهانی نیز بودند ، انقلابی که
بلشویکها ، سیاست و تکنیک شان را تابع آن قرارداد
دادند . این وظیفه آنها بود که جنین کنند چون تنها
ازین راه بود که آنها میتوانستند واقعاً خصلت انقلابی
گروههای مختلف انترنا سیوشاں دلود را بیان کنند .

حال این سؤال بیش میباشد که "گروههای" بلشویک
های روسیه و ملاحظات "گروهی" در کجا قراردادند ؟
سالها قبل ، در سال ۱۹۰۵ لنسیون در رساله خود
"چه باید کرد ؟" نوشت که "تاریخ ما را با تکالیف
شوری و اساسی دربرو ساخته است که از انقلابیترین
تکالیفی است که پرولتا ریای یک کشور را آن دربرو میشود"
و اینکه "ابنام این تکالیف ، یعنی ، از بین بزرگان
قدرتمندترین سدا رنجاع ، نه تنها درادوپا ، بلکه
درآسیا نیز ، پرولتا ریای روس را برجامدار پرولتا ریای

این بدان معنی نیست که آنها در حزب و باکشور خودشان از جنگ برعلیه اپورتunistم خودی و بوروزاری کشور خود سرباز شدند. آنها بهمین دلیل نیست که لینین بما آموخت که احزاب انقلابی، جریانها و رهبرانشان را نه فقط بوسپه بنا نیمه ها و قطعنا مه ها بلکه بواسیله اعمالشان بیان زمانیم؟

آبا این واضح نیست که اگر اسلوتسکی واقعه میخواست آشتی تا پذیری و قاطعبت لینین و بشویکها را سر برعلیه سنتریسم بدرسی تمازید، میباشد بجای آنکه مبنای مقاومت اش را براسناد جدا جدا و بکی دونا مه خصوصی قسرار دهد به آزماش و بدرسی اعمال بشویکها، و تا رسیدن فعالیت آنها بپردازد؟ آبا در حزب سنوسی دلیل دلیلی و نقطه نظر بشویکها را برعلیه این میتوانند تنها به اسناد و نوشته ها منکی باشند. جه کسی، بجز مشهای آرشیو، نمیفهمد که یک حزب و رهبرانش را بایستی با اعمال آنها آزمود و نه تنها بوسیله بیان نیمه هاشان؟

در تاریخ کم نیستند تعداد سوسیالیستها که انسواع قطعنامه ها و بیان نیمه های انقلابی را امضا کرده اند فقط بخط انتکه انتقادات "مزاحم" را جواب گویند. امسا این بدان معنی نیست که آنها این بیان نیمه هارا به اجراء درآورد. در تاریخ همچنین کم نیستند تعداد سوسیالیست های که کف برده اند احزاب کارگری کشورهای دیکتاتور را میتوانند، حقایقی که اهمیتی قاطع در مشخص کسردن بشویکها را دارد؟ جراحت و برای بدرسی لینین و بشویکها به قابل اعتنای ترین روش متول نکشت؟ یعنی بیرون

نمیداند. چرا و برقه مبنایشی؟ آیا همه اسناد منتشره مربوط به انترتا سیوتال دوم و همچنین آنها که مربوط به میبا رزه درا حل حزب سوسیال دلکرات روسیه است بزرای شان دادن کامل آشتی تا پذیری لینین و بشویکها درها رزها شان برعلیه اپورتunistم و سنتریسم کافی نیست؟ آبا "اصل" اسلوتسکی با این اسناد آشناست؟ چه اسناد دیگری را لارم دارد؟ غرض کنیم علاوه بر اسنادی که تا کنون منتشر شده است، اسنادی پیدا شوند که در پرگیرنده، مثل "قطعنا مدهائی از بشویکها با شدکم دیگر ضرورت آشتی تا پذیری بشویکها با سنتریسته" را به بیش کشد. آبا این بدان معنی نیست که تنها وجود اسناد کافی است که خلت و افغا "انقلابی و آشتی تا پذیری اتفاقی و نقطه نظر بشویکها را برعلیه سنتریسته" شان دهد؟ چه کسی بجز بورکراها تا ایندو مایوسون میتوانند تنها به اسناد و نوشته ها منکی باشند. جه کسی، بجز مشهای آرشیو، نمیفهمد که یک حزب و رهبرانش را بایستی با اعمال آنها آزمود و نه تنها بوسیله بیان نیمه هاشان؟

در تاریخ کم نیستند تعداد سوسیالیستها که انسواع بخط انتکه انتقادات "مزاحم" را جواب گویند. امسا این بدان معنی نیست که آنها این بیان نیمه هارا به اجراء درآورد. در تاریخ همچنین کم نیستند تعداد سوسیالیست های که کف برده اند احزاب کارگری کشورهای دیکتاتور را بشویکها را دارد؟ جراحت و برای بدرسی لینین و بشویکها به قابل اعتنای ترین روش متول نکشت؟ یعنی بیرون

از بشویکها پخش شده است، مجبور بانخاد ایمس روش شده‌اند. بعضی بشویکها فکر میکنند که تروتکسیم بیک گروهندی از کمونیسم است که اشتباه میکند، کارهای احمدانه هم میکند، حتی در بعضی مواقع خد شوری نیز هست ولی بالاخره بیک فراکسیون کمونیستی است، چنین است لیبرالیسم مخصوصی که در گراپس بحث تروتکسیست ها و افرادی با این طرز فکر وجودارد.

و احتیاج جدایی برای آوردن دلیل وجوددارد که ثابت شود این نقطه نظر در مورد تروتکسیم عمیقاً اشتباه و مضر است. درواقع تروتکسیم از خیلی قبل از صورت بیک فراکسیون کمونیستی خارج شده است. در واقع تروتکسیم بیک بیشا هنگ بوروزوازی خدا نقلای است که بر علیه کمونیسم بر ضد رژیم شوروی و بر علیه ساخته ای سوسیالیسم در تحداد جما هیر شوروی سوسیالیستی مبارزه میکند.

جه کسی به بوروزوازی خد انتقادی اسلحه ایدئولوژیک بر علیه بشویسم بشكل این تز که سوسیالیسم در کشور میکاراند امکان ندارد، که درهم ریختن بشویسم تا گیرد را داده؟ بلی تروتکی این اسلحه را بدانها داد. و این اتفاقی نیست که در تما کوششها بیشا ن برای اشنا تغییر قابل پیش گیری بودن مبارزه بر ضد شوروی، تمام گروهندیها خد شوروی به معروفترین نظریه تروتکسی مبنی بر عدم امکان سوسیالیسم در کشورها، اجتناب ناپذیری نا بودی رژیم شوروی و امکان بازگشت به کاپیتا ایمس

بررسی اعمال و فعالیت آنها ترجیح داد که روش غیرقابل اعتماد زیرودرگردان اتفاقی کا غذای جمع آوری شده را بکار گیرد . واضح است چون که توسل بیک روشن مغهول در بررسی بشویکها با اعمالشان فرضیه سالموتسکی را دافعتاً از سین خواهد بود : زیرا بررسی بشویکها براساس اعمالشان خواهد بود که بشویکها تنها تشكیلات انقلابی در جهان هستند که ابودوسنیسته و سنترسیسته را کا ملا" کوبیده و از حرب بیرون را نهندند . زیرا توسل به اعمال واقعی و تاریخ واقعی بشویسم نشان خواهد بود که معلمین اسلوتسکی ، تروتسکیست ها ، گروههای اصلی و اولیه ای بودند که سنتریسم را در دوسيه اشان دادند و بهمین علت تشكیلات بخصوص را با اسم بلوک آکوست بوجود آوردند که سرچشم و منبع سنتریسم بود . زیرا برای همه بشویکها بوسیله اعمالشان اسلوتسکی را بکبار میگردند سنتریسم قبل از جنگ تروتسکیسم را بپوشانند آنهم بدینظری که سطزی افرا آمیز لشیان و بشویکها را متهم نماید که خطر سنتریسم را دست کم گرفته اند . رفقای هئیت تحریریه ، این است وضعيت اسلوتسکی و مقاومات . چنانکه میگیرند هئیت تحریریه اشخاص کرده که اجازه داده است با تحریف کننده تاریخ حزب بحث صورت گیرد - چه جزیی با عث شده که هئیت تحریریه این را گلطف را در پیش گیرد . من فکر میکنم آنها بوسیله این راه غلط را در پیش گیرد که تا حدودی در پیش عدهای

چکسی اسلحه‌ای تاکتیکی به خدا نقلاب بورژوا^{ئی} بشكال
 تلاشها آشکار برد و رژیم شوروی داد ؟ تروتسکیستها که سعی کردند نظامه را در مسکو و لینین گرارد، در نوا ابر ۱۹۲۷ برآه اندازد. این بک واقعیت است که در نوا مدد شوروی تروتسکیست ها روحیه بورژوازی را بساند و به آنها در فعالیت‌ها بپاشان سمت داد .
 چ کسی به بورژوازی ضد اتفاقی اسلحه‌ای تشکیلات را صورت کوششان برای بپاری ساختن بک تشکیلات ضدشوروی دیرز مبینی کمک کرد ؟ تروتسکیستها که گروه غیرقا^{ئی} نونی دند بشویک خود را بوجود آوردند . این بک واقعیت است که کارزاری ضدشوروی تروتسکیستها به گروههای تروتسکیستم خدا على انفصال بمسئلۀ بورژوازی ضددشوری کمک کرد تاک شکل منظم بسود بکیرد .
 اتفاقی است . بهمن دليل است که لسرا^لالیسم در مقابله با شرکاء ارزش آنرا ندارد که مدتها در پاره شان اسلوتسکی و شرکاء ارزش آنرا ندارد .
 محبت شود .
 ثانیا " آنها سعی میکنند ثابت کنند که در دوران قبل از جنگ لینین ضرورت فائی آمدن بپارا نقلاب بورژوا - دمکراتیک و کنار به انقلاب سوسیالیستی را درک نکرد . و در نتیجه خوانندۀ سی تحریه را با این کمان و اداره‌دهکه لینین در آن موقع هنوز بک بشویک واقعی نبود ، و تنها بعد از جنگ ضرورت این مسئله را در پاره فت . زمانی که خود را بکمک تروتسکی " مجهز " نمود .
 هر ز است . بهمن دليل است که کوششان که عدداً توپسند و " تاریخدا^ن" بعمل می‌ورند که مزخرفات تغییر شکل پافته تروتسکیستها را با دیدهای متسارعند باید باشد هرچه تما متر بولسله بشویکه چلوگیری شوند .
 بهمن علت است که ما نمیتوانیم اجازه مبا^حدیم قاچقها ن تروتسکیست بدیم . - من فکر میکنم تروتسکیست که در حال حاضر سعی میکند کالای خود را از توپسندگان و تاریخ توپسنانی از قماش این قاچقها نمیتوانیم درستی مقاومت زیادی حقایق

دو طریق قاچاق کنند : اولاً آنها سعی دارند اشخاص را سما بیند که در دوران قبل از جنگ لینین خطر ستریسم را دست کم گرفت ، و در نتیجه برای خوانندۀ نا آشنای و بی تجربه این کمان را بوجود آورند که لینین در آن موقع هنوزیک انقلابی واقعی نبود و تنها فقط بسزار جنگی همین شد بعد از آنکه خود را بآلمک تروتسکی " مجھے ز" ساخت . اسلوتسکی را میتوان بعنوان بک نما بیند این سمعونه قاچقها ن قلمداد کرد . مادرپالا دیدیم که اسلوتسکی و شرکاء ارزش آنرا ندارند که مدتها در پاره شان اثبات شود .
 ثانیا " آنها سعی میکنند ثابت کنند که در دوران قبل از جنگ لینین ضرورت فائی آمدن بپارا نقلاب بورژوا - دمکراتیک و کنار به انقلاب سوسیالیستی را درک نکرد . و در نتیجه خوانندۀ سی تحریه را با این کمان و اداره‌دهکه لینین در آن موقع هنوز بک بشویک واقعی نبود ، و تنها بعد از جنگ ضرورت این مسئله را در پاره فت . زمانی که خود را بکمک تروتسکی " مجهز " نمود .
 ولسویچ توپسند " مبحثی در پاره حزب کمو^لیست سودروی (ب) " را میتوان سما بیند این قبل قاچقها ن دانست . بدرستی از زمانی دور ، از سال ۱۹۵۰ لینین نوشت که " از انقلاب بورژوا - دمکراتیک ، ما فوراً " و بهم اندازه توانائی ، و قدرت آگاهی و طبقاً شی و تشکیلاتی بروتاریا شروع به کنار به سوسیالیستم مینهای شیم " واينکه " اندازه توانائی ، و قدرت آگاهی و طبقاً شی و تشکیلاتی بروتاریا شروع به کنار به سوسیالیستم مینهای شیم " واينکه " ماطوفدار انتقلاب مدام هستیم و نمیخواهیم درستی راه متوقف شویم " (۶) . بدرستی مقاومت زیادی حقایق

آن دارای اشتباهاست در مسائل اصولی و تاریخی میباشد.

و اسنا دشیه باین را میتوان در آثار دلخیزیان یافت . امّا
ولو سوچ چه اعنتائی باین حقایق ، کارها و زندگی لشیز
داد ؟ ولسوچ ها بدین منظور مینویسند که بارتبه که
آمیزی خود با بشویسم میخواهند کالای ممنوع دلخیزی خود را
قاچاق نمایند ، و دروغهای درباره بشویکها بگویند
و تاریخ حرب بشویک را تحریف نمایند .
ولو سوچ نیز مثل اسلوتسکی است . اینها " طرق
مه تخیم و غیر مستقیم " قاچاق جی گری تروتسکی است .
شما خودتان باستی درک کنید که این وظیفه هئیت تحریر به
" پرولتا رسکا " دلوسیا " بیست که فعالیت قاچایانی
مثل این " تاریخ نویسان " را باکذا شنن تربیون در اختیار
آنها شتهیل نمایند . وظیفه هئیت تحریر به سبقده من
اینستکه مسائی در موردندا ریح بشویسم را مطرح نمایند
که مقام واقعی آنرا نشان بدهد و بررسی تاریخی حریمان
دا باروشی علمی و بشویکی بعمل آورد و توجهات دادرس
ضد تروتسکیستها و تحریف کنندگان تاریخ حربها را برگردان
و مرتب " ماسکهای آنها را از هم بدرد . همه اینها
ازیم است زیرا که حتی بعضی تاریخ نویسان (من از تاریخ
نویسان بدون گیوه صحبت میکنم) بشویک حزب خودمان
نیز خالی از اشتباهاتی که آب به آسیاب اسلوتسکی
ها و لوسوچ های میربرند ، نیستند . دراین زمینه رفیق
پا روسلوتسکی هم حتی ، بدختانه میگذشت ، کتاب
او درباره تاریخ حرب کمونیست سوری با وجود کتاب مثبت

برامون مسگله استرازی

مذاکره کهودستهای روس

توضیحات

مقاله عرضه شده برآسا سخنرا تبهاشی "پیشرا مسگل" استرازی و تاکتیک کمونیستهای روس "تدوین شده که در زمانهای گوناگون در کانون کارگران در منطقه شهر کاه درس نا یا در مقابله فراکسیون کمونیستهای در انش سوردلوف (۲) Swerdlow تضمیم با سشا ران گرفته ام، نه فقط بدآن خاطر است که نظر میکنم، موظف آرزوی رفقای پرس نایاشی و داشجوان سودلفی برآوردم، بلکه باین خاطر هم که خود این مقابله برای نسل جوان کارگران حرب بنظر مفید میرسد. میتوان نذکر این نکته را لازم میدانم که این مقابله مدعا نیست، هیز کا ملا" نوشی را در قیاس با آنچه از جانب رفقای رهبری اقبالا" چندیں با در در روزنا مههای روسی حرب گفتند که شده است، اراکه دهد، مقابله اراکه شده باید بمنزله بیان فشرده در خطوط کلی مبانی نظریات رفیق لینین مبنظر قرار گیرد.

— Proletarskaja Rewoluzija

- ۱- انقلاب برولسکی مجله برای تاریخ که از سال ۱۹۲۱ الی ۱۹۴۱ در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی منتشر میشد.
- ۲- بیونیوس - روزالوکزا مسوردک - رهبر جبهه
- ۳- سوسیال دموکراسی آلمان - در سوپیا
- ۴- پارووس Parvus
- ۵- آثار لینین، چاپ چهارم، جلد ۵ صفحه ۳۴۵ - جنبش روسی.
- ۶- آثار لینین، چاپ چهارم، جلد ۹، صفحه ۲۱۲ چاپ روسی.
- ۷- "مجموعه آثار" روابط سوسیال دموکراسی با جنبش دهقانی

I

مفهوم مهدمانی

۱- دو جنبه جنبش کارگری

منعکس میسا زد ، جنبش آگاه و طبق نقشه پرولتا ریا را به سمت هدف معینی بنا مینده . این جنبه جنبش در واقع دقیقاً از آن جهت برای مامور دلخواست ، که وی ، برخلاف جنبه عینی جنبش ، کا ملا " زیر نفوذ شیرات هدایت کننده استرا - تری و تاکتیک قرار دارد . اگرا ستراتری قار داشتند بدستور خود را در جنبه ذهنی ، آگاه جنبش ، حیطه استعمال استرا - تری و سبیع و متتنوع است . زیرا استراتری بر حسب اینکه کامل و بنا ناقص باشد میتواند جنبش را تسریع یا بطيء کند ، میتواند را از کوتاه ترین راه هدایت کند و بردا هی سخت و درآورده انحراف بکشاند .

شتاب بعثتیند بآنکه کرد جنبش ، تسهیل آن و بنا ایجاد و تاکتیک سپاسی .

۲- نمزری و برزامه مارکسیسم

استراتری سپاسی ، هجینین تاکتیک نیز ، جنبش کارکری را مورد نظر دارد . اما خود جنبش کارکری از دو عنصر ، عنصر عینی یا عنصر خودرو و عنصر ذهنی یا عنصر آگاه تشکیل شده است . عنصر عینی ، خودرو (خودا نگفته) آن گروه روندهای پرولتاریا میسا زد که مستقل از را در آگاه و بنظم و روندهای پرولتاریا در جریان است . تکا مل اقتضای کشور ، جنبش خسواری و طبقات و غیره ه همه آنها نمودهای هستند که تکا مل آنها را میسا زد . استراتری با این روندهای کاری ندارد ، زیرا وی نه قادر است آنان را مرفق و نه تغییر دهد ، استراتری تنها میتواند آنان را به حساب آورده و آنان حرکت کند .

این عرصه ای است که توسط تئوری مارکسیسم و برنا منه مارکسیسم تحقیق میشود .

اما جنبش هنوز دارای جنبه ذهنی ، آگاه نیز میباشد .

جنبه ذهنی جنبش ، روندهای خودرو جنبش را در سرکار گران

۳- استرا تزی

مهمترین وظیفه، استرا تزی، تعبیس نمودن سمت اساسی است، که در آن جهت میباشد بستی جنبش طبقه، کارگر جوان را به اهداف مطروحه، در برداشته، پروولتا را سرگشتران سرفت را کسب میکند نقشه، استرا تزی، نقشه، مشکل نمودن ضربه، قطعی درستی است که در آن سمت این ضربه به سریعترین نحو بیک حدا علی از نتایج مجرم شود، خطوط اساسی استرا تزی سیاست را میشود بدون زیست خاصی توضیح داد، اگرآدم به قیاس آن با استرا تزی نظامی توسل جوید برای مثال در دوره، جنگ دا خلی در زمان جنگ علیه دشمنی، همه پایان سال ۱۹۱۹ را بخاطر میباشد، و فتیکه دشمنی در مقابل تولا قراردادت. در آن زمان بحثهای جالبی در ارشت درباره، اینکه از کجا میباشد از ارشت پیشنهاد کرد که تسا ریسین - نوروسی سک را برای صوبه قطعی بر ارشت دشمنی زده شود، بوجود آمد، بخشی از ارشت پیشنهاد کرد که تسا ریسین - نوروسی سک را برای آن استرا تزی تنها آنکاه واقعاً ما رکبیستی خواهد بود که در عملش از اهداف جنبش، بیان نشده در برداشته، ما رکبیستی نموده و سپس هرگدام از این دو را جدا کانه نابود کرد.

مارکسیسم متنگی باشد. استرا تزی پروولتری فقط آنکه میتواند مارکبیستی باشد و زوالش تحقیق میکند، به این نتیجه میرسد که سقوط بورژوازی و تحصیل قدرت توسط پروولتا ریا ناگزیرنند، و سرمایه داری جبرا "بوسیله سوسیالیسم از بین خواهند رفت.

استرا تزی پروولتری میتواند مارکبیستی باشد که مهمترین نتایج تشوری مارکسیسم را پایه کارش قسرار دهد. برنا مه، مارکسیسم با حرکت از نتایج تشوری، اهداف جنبش کا رگری را تعیین مینماید، که در نکات برنا مه بطور علمی بیان نشده است، برنا مه میتواند برای تمام دوره؛ نکات اصلی سرمایه دا رساب شده باشد، در حالیکه سرنگونی سرمایه داری و مشکل نمودن تولید سوسیالیستی را در نظر دارد، بای برای فاز معین در تکامل سرمایه داری، مثلاً از احصار، بقایای رژیم فئودال - استبدادی و ایجاد شراثط برای دشمن آزاد سرمایه داری: مطابق با آن برنا مه میتواند شامل دو بخش شود: یک برنا مه، داکثر، یک برنا مه، داقل. بخودی خود آن مفهوم میشود که استرا تزی که برای برنا مه، داقل تدوین شده است، ناجارا" باید با استرا تزی که برای برنا مه، داکثر حساب شده منتظر باشد، در حالیکه آن استرا تزی تنها آنکاه واقعاً ما رکبیستی خواهد بود که در عملش از اهداف جنبش، بیان نشده در برداشته، ما رکبیستی در هبری شود.

نقشه‌اول جهت مشیت خود را در این داشت، که با تسبیح نوروسی سک، که نقشه بر پایه آن حساب شده بود، راه برگشت ارتش دنیکین قطع میشد. معاذلک این نقشه از طرفی نامنا سب بود، زیرا پیش روی ما را از مناطق (منطقه‌دن) در نظرداشت که نظر دشمنانه با قدرت شوراها داشتند، و بدین ترتیب قربانی بزرگی را می‌طلبید، از طوف دیگر خطرناک بود، زیرا میتوانست راه را بر ارتش دنیکین از طریق تو لا، زرپو خوب به طرف مسکو بکشايد. نقشه‌دوم ضربه اصلی تنها نقشه صحیح بود، زیر این نقشه از طرفی پیش روی ما را از مناطق (ورونش - دونس بکن) که به قدرت شوراها علاقه نشان میدادند، برگزیده بود، و در ترتیجه قربانی بخصوصی را تحمل نمیشد، از طرف دیگر میدان عملیات کروه اصلی لشکرهای دنیکین را قطع میکرد، که بطرف مسکو در پیشروی بودند.

اکثریت ارتش با نقشه دوم توانق نشان دادند، و بدین ترتیب مبدأ جنگ علیه دنیکین تعیین شد.

با بیان دیگر: تعیین سمعت ضربه اصلی بدبیں معنی است که خلقت عملیات را برای تمام دوره جنگ از پیش تعیین کرده، بدین ترتیب به دهم بایان کل جنگ را از پیش تعیین نمود.

وظیفه استرا تری در این بهفتنه است.

عین همین در مورد استرا تری سیاستی طاقد است. اولین تعدادات جدی بین رهبران سیاسی پرولتا ریا روس در ساره مسلله سمعت اصلی جنگ پرولتا ریا در اوائل سالها قرن بیستم، د روزان جنگ روس و رازی صورت گرفت.

هما نظورکه روش است بخشی از حزب ما (مشویکها) این

نظر را سما پندگی. میکرد که سمعت اصلی جنگ پرولتا ریسا در مبارزه اش علیه ترا ریسم میباشد برمبنای خط مشی اتحاد بین پرولتا ریا و بورژوازی لیبرال جویان پیشدا کنند، بطوریکه دهقا نان بمعنای بیک عالم بسیار رمهم انقلابی از بینا مه حذف و با تقریبا "حذف شده بودند، در حالیکه نقش رهبری در کل جنبش انقلابی به بورژوازی لیبرال واگذار شده بود.

بخش دیگر حزب (بلشویکها) بر عکس اثبات میکردنکه ضربه اصلی میباشد پیشتری برمبنای خط مشی اتحاد پرولتا ریسا و دهقا نان وارد شود، بطوریکه نقش رهبری در کل جنبش انقلابی میباشد به پرولتا ریا و اگذا رشده و اما بورژوازی لیبرال خنثی شود.

اگر کل جنبش انقلابی ما از اوازل دهه قرن ما تنها انقلاب فوریه ۱۹۱۷ بمعنایه جنگ کارگران و دهقا نان علیه ترا ریسم و مالکان ارضی مورد قبایس با جنگ علیه دنیکین قرارگیرد، روش میشود که سرنوشت ترا ریسم و مالکان ارضی در بسیاری از جهات از نقطه نظر انتخاب این و پایان نقشه استرا تری (استرا تری منشویکها و با بلشویکها)، به تعیین این و پایان سمعت اصلی جنبش انقلابی وابسته بود.

اما نظور که در روزان جنگ علیه دنیکین استرا تری نظری میباشد تعیین سمعت اصلی ضربه نه دهم خلقت عملیات بعدی را، تا باید دنیکین معتبر کرد، همین‌طورهم در عرصه مبارزه باید دنیکین معتبر کرد، همین‌طورهم در عرصه مبارزه این‌خلقت علیه ترا ریسم استرا تری سیاستی ما با تعیین سمعت اصلی جنبش انقلابی با روح نقشه بلشویکی، خلقت کار حزب ما را برای تمام دوره مبارزه علیه ترا ریسم

را به مطمئن ترین وجه آماده میکند . بهمین علت نباید اکسپونهای تاکتیکی را دروازه از نقطه نظر وظایف و مکانات را شیر بافضل ، بلکه از نقطه نظر وظایف و مکانات را استرازنی ارزش پایابی نمود . لحظاتی وجود دارد ، که کامپانی های تاکتیکی اجرای وظایف استرازنی را تسهیل میکنند . مثلاً جربانیات در جبهه دنیکین در اوخر سال ۱۹۱۹ به هنگام آزادی - اول و Orel و ورونیش Woronesch هنگامیکه کامپانی های پیاده نظام ما جلو ورونش و توبخانه ما جلو اول یک موقعیت مناسب برای پیشروع بسوی روستف Rostow این چنین بود جربانیات در اوخر ۱۹۱۷ درروسه ، هنگامی که جرخش سوراها پیتروگراد و مسکو بطرف بلشوکها یک موقعیت سپاهی ایجاد کرد ، که در نتیجه آن پیشروی اکتریز حرب هزارا سده ترمود . لحظاتی هم وجود دارد که کامپانی های تاکتیکی ، که از نظر تاکتیر بلافضلشان بسبار دیده شوند ، اما با این مکانات استرازنی منطبق نیستند و یک وضع " غیر ایمن " را ایجاد میکنند ، که برای کل لشکر کشی فاصله مترقبه " را ایجاد میکنند ، این جربانیات در اوخر سال ۱۹۱۹ بزرای دنیکین اتفاق افتاد ، وقتی که او مغور از موقیعیت آسان و پیش رو تسریع و موثر خود بطرف مسکو ، جبهه خود را از ولکا تا دنیپر Dnijeper بسط داد و با اینکار روزانه شکل بود سال ۱۹۲۰ در زمان جنگ بر علیه لهستان

از زمان جنگ دروس و ژاپن تا انقلاب فوریه ۱۹۱۷ ارائه شدند.
وظیفه استراحتی سیاسی قبل از هرچیز دراین سمت که با
الهام از نئوی و برداشتهای مکسیم و با نظرداشت تحریبیات
مبا روزه، انقلابی کارکران شما ممالک، سمت اصلی جنگش
بروکاری کشود مفروض را برای دوره تاریخی مفروض صحیح
تعیین نماید.

۴- تاکتیک

تاکتیک بخشی از استراحتی است، در خدمت استراحتی و
تابع آن. تاکتیک خود با جنگ بمثابه، کل بد خود نمی‌گذرد بلکه با تک تک جنبه‌های کنای آن، با مبارزات و سسا
کا روزها. اگر استراحتی میخواهد جنگ را پیروز گرداند
با بگوییم که میخواهد مبارزه را بر علیه شزاده ایم تا با خر
برساند، بر عکس تاکتیک میخواهد که در این ویا در آن روزه
این ویا آن مبارزه پیروز شود، این و یا آن فعالیت را
را، این و یا آن عملیات را موافقانه اجراه کند، که کم
و بیش با وضع شخص مبارزه در هول‌حضره، معین مطابقت مینماید
و مهترین وظیفه تاکتیک تعیین ایزار و راهها، فرمدهای
و روشهای مبارزه است که با اوضاع مشخص در لحظه‌های
مغروض به سهترین وجه تطبیق مینماید و کامیابی استراحتی

وقتیکه ما نیروی خصوصیت ملی را در لهستان کم ارزش دادیم و مغور از کامپی آسان یک پیشروی چشم گیر، که وظائف سینکن تراز قدرت ماندا هنکام عبور از ورتو بطرف اروپا برها حول کرد، اکثریت سکنندۀ مردم لهستان علیه ارتض شوراها وارد عمل شدند و بدین ترتیب وضعی را بیطابکردند که کامپی های ارتض شوراها را در مینسک Minsk و شیتو-میر Shitomir بی شمرکرد و به اعتبار قدرت شوراها در غرب لطفه زد.

دوخانمه لحظه هم موجودند که آدم بایدا زکا میا بسی های تاکتیکی بکند، عواقب و ضررها تاکتیکی را تحمل نماید، برای اینکه نتایج مشتب استرازنژکی آینده را تضمین کند. این غالبا در جنگ پیش میاید، که یک طرف بخاطر اینکه کارهای لشکرش را نجات داده و از زبره فربه نیروها دشمن بیرون بشکشد، عقب نشینی با نفعه ای را شروع و بدون جنگ تمام شهرها و مناطق را تسليم کند، تا اینکه فرصت بدهست آورد و نیروها را برای مبارزات قطعی درآینده جمع آوری کند. اوضاع در روییه ۱۹۱۸ این چنین بودند، زمان حمله آلمانها، وقتی که حزب ما مجددود بود، به قرارداد بروست (Brest-Litofsk) ، کم

سبا سی بلافصل هدایت شود، کمتر از آن مجاز است که از میان محکم جدا شود و کاخهای هوائی بسازد - تاکتیک باید مطابق با وظائف و امکانات استرازنژی ریخته شود.

وظیفه تاکتیک قبل از هرجیز دراین است که بسی هدایت از راهنمایی های استرازنژی و با درنظر داشت سلطه رب مبارزه، انقلابی کارگران سراسر دنیا، آن اشکال و شیوه هایی از مبارزه را تعیین کند، که با وضع مشخص مبارزه در هو لحظه مفروض به بهترین وجه مطابقت کند.

۵- اشکال مبارزه

شیوه های رهبری جنگ، اشکال جنگ همیشه شیوه سیاستند. آنها طبق شرائط نکمالشان تغییر پیدا میکنند، قبل از هرجیز طبق تکامل تولید تغییر میابند. در میان چنگیزخان و هبری جنگ طور بگری بود تا در زمان تاپلئون سوم، در قرن بیستم هم طور دیگر رهبری خواهد شدند در قرن نوزدهم.

هنر رهبری جنگ تحت شرائط امروزه دراین است که تمام اشکال جنگ را استادانه بینا مورد و تمام دست آورده میاید، اینکه در این زمینه بخدمت بگیرد، از آنها آگاهان علمی را در آینه زمینه بخدمت بگیرد، اینها را هوشیارانه بهم ربط دهد و بینا استفاده کند، آنها را هوشیارانه بهم ربط دهد و بینا منطبق برهم وضعی سوق این و بینا نشانه شکل را بکار بگیرد.

با بیان دیگر: تاکتیک نمیتواند نتایج متفاوت لحظه ای باشد، و باید اجازه داده شود که از اندیشه تا شیوه

معلوماً" بـا شکال و شیوه‌های رهبری جنگ تطبیق داده مشود، با تغییر آخربـا اولیـاها نیز تغییر میکند، در جنگ متحرسـرـی غـالـبـا "پـیـروـزـیـ" با استفادـه وسـیع از دستـهـ سـواـ رـکـارـانـ یـاـ "اـلـاـ" نقـشـنـدـارـدـ دـهـ وـ بـقـشـیـ تـابـعـ دـارـدـ؛ تـوـبـخـانـهـ سـکـنـیـ وـ هـوـاـ سـیـماـ،ـ کـسـارـ

وـ تـائـکـ هـمـهـ چـیـزـ رـاـ تـعـیـینـ مـیـکـنـدـ.ـ عـلـیـهـ هـمـیـشـهـ رـاـ برـایـ خـودـ مـطـمـئـنـ سـازـدـ،ـ آـنـراـ تـاـحـدـ اـعـلـیـ تـکـاـ مـلـ دـهـ وـ عـلـیـهـ تـشـرـیـفـ رـاـ خـبرـهـ سـاـنـ بـهـمـ رـبـطـ دـهـ.ـ عـلـیـهـ هـمـیـشـهـ رـاـ بـاـ پـیدـرـدـ رـاـ دـهـ اـشـکـالـ تـشـکـلـاتـیـ درـصـنـهـ سـیـماـ سـیـ کـفـتـ.ـ اـیـنـهـاـ نـیـزـ اـشـکـالـ تـشـکـلـاتـیـ ماـنـندـ صـنـهـ،ـ نـظـامـیـ بـسـاـ اـشـکـالـ مـباـرـزـهـ مـتـبـدـیـ مـشـوـنـدـ،ـ سـاـرـدـمـاـنـهـاـ مـضـيـ اـنـقـلـابـیـوـنـ اـشـکـالـ مـباـرـزـهـ مـتـبـدـیـ مـشـوـنـدـ،ـ سـاـرـدـمـاـنـهـاـ مـضـيـ اـنـقـلـابـیـوـنـ وـرـفـهـاـیـ دـرـدـورـهـ،ـ اـسـتـبـادـ،ـ تـشـکـلـاتـ آـمـورـشـیـ -ـ اـسـحاـدـیـهـهـاـیـ شـهـاـ وـ بـاـرـلـمـاـنـتـاـرـیـ (ـ فـرـاـکـسـیـوـنـ دـوـمـاـ وـ غـیرـهـ اـدـرـدـورـهـ دـوـهـاـ،ـ کـمـیـتـهـهـاـیـ کـارـخـانـهـ،ـ کـمـیـتـهـهـاـیـ دـهـفـتـاـنـ،ـ کـمـیـتـهـهـاـیـ اـعـتـهـابـ،ـ شـورـاـهـاـیـ نـهـاـ بـنـدـگـانـ کـارـگـرـانـ وـ سـرـبـاـزـانـ،ـ کـمـیـتـهـهـاـیـ هـاـیـ اـسـقـلـابـیـ نـظـامـیـ وـ حـزـبـ قـدـرـمـنـدـپـرـوـلـتـاـ رـیـاـشـیـ کـهـ تـمـسـامـ اـیـنـ اـشـکـالـ تـشـکـلـاتـیـ رـاـ دـرـدـورـهـ،ـ اـکـسـوـنـهـاـ وـ قـیـمـهـاـیـ شـوـدـهـاـیـ دـرـتـسـاطـهـمـ قـرـارـمـدـهـ،ـ دـسـتـ آـخـرـ شـکـلـ تـشـکـلـاتـیـ هـکـمـتـیـ پـرـوـلـتـاـ رـیـاـ دـرـدـورـهـ،ـ اـیـ کـهـ قـدـرـتـ دـرـدـسـتـ طـبـقـهـ،ـ کـارـگـرـ مـتـرـکـرـ اـسـتـ -ـ اـیـنـهـاـ هـسـتـنـدـ عـومـاـ آـنـ اـشـکـالـ تـشـکـلـاتـیـ کـمـ سـرـوـلـتـاـ رـیـاـ دـرـمـبـاـرـزـهـ اـشـ عـلـیـهـ بـورـژـاوـیـ دـرـ تـحـتـ شـرـاـنـطـ سـعـدـیـنـ مـیـتـوـنـدـهـ آـنـهـاـ تـکـیـهـ کـنـدـ وـ بـاـبـدـکـیـهـ کـنـدـ وـ ظـیـفـهـ،ـ حـزـبـ دـرـاـبـینـ اـسـتـ کـهـ تـمـامـ اـیـنـ اـشـکـالـ تـشـکـلـاتـیـ (ـ اـسـداـنـهـ بـکـارـگـرـدـ،ـ آـنـهـاـ رـاـ تـهـداـ عـلـاـ تـکـاـ مـلـ بـخـشـدـ

سـیـاـسـیـ گـفـتـ.ـ اـشـکـالـ مـبـاـرـزـهـ سـیـاـسـیـ خـودـمـنـدـوـعـتـرـاـ زـاـشـکـسـالـ رـهـبـرـیـ جـنـگـ اـسـتـ.ـ آـنـهـاـ طـبـیـعـتـ کـمـاـ مـلـ اـقـتـصـادـ،ـ اـوـضـاعـ اـجـتمـاعـیـ،ـ فـرـهـنـگـ،ـ بـرـحـسـبـ وـضـعـ طـبـقـاتـ،ـ مـنـاـسـبـاـ مـتـغـیـرـ نـیـروـهـهـاـیـ دـرـگـیـرـهـ مـبـاـرـزـهـ قـاـنـوـنـیـ،ـ خـلـصـتـ قـدـرـتـ دـوـلـتـیـ وـ سـرـانـجـسـامـ بـرـحـسـبـ مـنـاـسـبـاـتـ بـینـ الـمـلـلـیـ وـ غـیرـهـ عـوـضـ مـیـشـونـدـ.

شـکـلـ مـبـاـرـزـهـ غـیرـقـاـنـوـنـیـ دـرـمـاـنـ اـسـتـبـادـ دـرـبـیـوـنـدـبـاـ اـعـتـصـاـبـاـتـ قـسـمـیـ وـ نـظـامـهـرـاـتـ کـارـگـرـیـ،ـ شـکـلـ مـبـاـرـزـهـ عـلـنـیـ دـرـشـاـنـطـ "ـ اـمـکـاـنـاـتـ قـاـنـوـنـیـ"ـ وـ اـعـتـصـاـبـاـتـ تـوـدـهـاـیـ سـیـاـسـیـ کـارـگـرـانـ،ـ شـکـلـ مـبـاـرـزـهـ پـاـرـلـمـانـیـ،ـ مـثـلاـ دـرـدـوـمـسـاـ وـ اـکـسـیـوـنـهـاـ تـوـدـهـاـیـ خـارـجـ پـاـرـلـمـانـیـ،ـ کـهـ گـاهـیـ نـیـزـ تـنـاـ دـقـیـقـاـ مـهـاـ مـسـلـحـ اـرـتـقـاءـ مـیـبـیـاـ بدـ،ـ دـسـتـ آـخـرـ شـکـلـ مـبـاـرـزـهـ حـکـومـتـیـ بـعـدـ کـسـبـ قـدـرـتـ توـسـطـ بـرـوـلـتـاـ دـیـاـ،ـ هـوـکـاـهـ بـرـوـلـتـاـ دـیـاـ اـسـنـ اـمـکـاـنـ رـاـ بـدـسـتـ بـیـاـ وـدـ،ـ کـلـیـهـ اـبـرـارـ وـبـیـرـوـهـاـیـ دـوـلـتـیـ دـاـ بـاـ اـحـتـسـابـ اـرـتـشـ،ـ بـرـایـ خـودـ تـضـمـنـیـ نـهـاـیـدـ اـیـنـهـنـهـ کـمـ دـرـ تـهـاـ وـ کـمـاـ لـاـشـکـالـ مـبـاـرـزـهـاـیـ هـسـتـنـدـ،ـ کـهـ بـرـاـتـیـبـ کـهـ مـبـاـرـزـهـ اـنـقـلـادـیـ پـرـوـلـتـاـ رـیـاـ بـدـسـتـ دـاـدـهـ اـسـتـ.ـ وـظـیـفـهـ،ـ حـزـبـ دـرـاـبـینـ اـسـتـ کـهـ دـرـتـهـاـمـ اـشـکـالـ مـبـاـرـزـهـ اـسـتـادـ شـوـدـ،ـ آـنـهـاـ رـاـدـمـیدـاـنـ کـارـذـارـآـکـاـهـاـهـ بـهـمـ دـبـطـ بـدـهـدـ وـ مـبـاـرـزـهـ رـاـهـشـیـ رـاـنـهـ دـرـشـکـلـ هـاـیـ مـتـبـلـوـرـ کـنـدـ کـهـ دـرـ وـضـعـ مـفـرـوضـ بـخـصـوـصـ مـنـاـ سـبـنـدـ.

۶- اـشـکـالـ تـشـکـلـیـلـاتـیـ

اـشـکـالـ تـشـکـلـیـلـاتـیـ اـرـتـشـهـاـ،ـ اـسـوـاعـ لـشـگـرـهـاـ وـ دـسـتـهـهـاـیـ مـسـلحـ

کار" (۳) داده شد، یک شعار تبلیغی بود، زیرا هدفش این بود که مقاومت‌رسان و محکمترین مبارزان را فردی‌فرد و سپاهی کروهی به حرب جذب کند. در دوره جنگ روس-ژاپن که در طی آن شکنندگی حکومت استبدادی برای افشار وسیع طبقه کارگر کم و سبیش روش شده بود، این شعار تبلیغی را در نظر داشت. در دوره قبیل از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ وقتی که شبهی شد، زیرا اکنون هدف جلب میلیونهای توده رژیم‌گشایی را در نظر نداشت. در نظر شده‌ها دیگر ورشکست شده بود، دیگر شعاع را در نظر نمی‌گرفتند. "هم اکنون از یک شعار تبلیغی مرک بر حکومت استبدادی" هم اکنون از یک شعار با این حساب به بک رعلی تبدل شد، زیرا این شعار با این حساب بود که توده‌های میلیونی را برای یک حمله برق آسا بر علیه ترا ریسم بحرکت درآورد. در روزهای انقلاب فوریه این شعار تبدل به یک دهنمود حرب شد، یعنی به یک حواست مستقیم که در یک لحظه معین موسسات و مواضع معین را در نظام ترا ریسم تحت سلطه خود را آورد، زیرا اکنون دیگر سرکونی ترا ریسم و تا بودی وی مطرح بود. دهنمود، فراخوان مستقیم حرب در زمان معین و در محل معین برای انجام عمل است که برای کلیه اعضاء حرب لازم ارجاست. و معمولاً موقعی از جانب توده‌های وسیع رزمتکشا مسورد قبول واقع می‌شود، که این فراخوان، خواسته‌های توده‌ها بدرستی و بجا بین کند، وقتیکه زمانش واقعاً رسیده

بعدا ز موقع، و حسی گا هی کلا جمعه آ میر ا است. در آ و دیگر

وکارا بین تشکیلات را در هر لحظه، مفروض ما هرآنقدر هددهم آمیزند.

ـ شعوار، رهنهود

تضمیمات بخطابیا ن شده که هدفهای جنگ و یا یک کس را زاده،
جدا کانه را بین میکنند و در نزد لشکریان عالم بسندانند،
از جمله در جبهه، جنگ سوزله ابرا ری که ارشن را برای
عمل کردن بشور و شوق و میدارد، روحیه اش را حفظ مینماید و
غیره، همیت تعبیین کننده دارد.

او مر، شما رها یار فرا خواهی متنا سب برای لشکریان
در تما م طول جنگ همچون توپخانه سکین رتبه یک و پیک دسته
تا نکھای سریع اسپیر درجه یک از همیت عظیمی بر خود دارد.
بسیار ربا همیت ترا ذآن شما رها در صحنه، سیا سی میباشد،
در آنجا شیکه انسان با خواستهها و نیازمندیها گونا گون
دهها و صدھا میلیون مردم سروکار دارد.

یک شعا ربیان مختصر و روشن اهداف دوریا نزدیک
مبادره ای است، که از جا نسب دسته رهبری کننده، مشتملاً
بکوشیم بپرولتا دیا و حزیش داده میشود، شما رهای مختاره
که مطابق با گوکان گوئی هدفهای مبارزه میباشد، موجودند
که یا یک دوره، نا ریضی کامل و پیامرا حل جدا کانه دوره، معین
تاریخی را در سرمهکبرند. شما در موگ بر حکومت خود کا ممه

که ابتدادر سالهای هشتاد و نه تن کشته از طرف کروه آزادی

وپا آن شعا رفاطه بکیرد، حتی وقیتیکه آن شعا رها عا
مسد، حتی اکرهم آن شعا رها حا دشده با شند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱) نقاط عطف تاریخی . نقشه های استراحت یکی

۱۹۷۱ شهار " تما مقدرت بدست شوراها " یک شعرا رتھيچي بسو .
تما قدرت بدست شوراها " برگرا وشد ، هنگا ميکه سطاحه سر
کنندگان قصردمستا نى دامحا صره کردن ، کوششى بود ، کوششى
قبل از موقع و بهمین علت مضر ، که اين شعا درا به شعسا رى
عملی (۴) تبدل کنند . اين مثال کا ملا " خطرنا کي برای عوضى
گرفتن یک شعرا رتھيچي با يك شعا دعملی بود . حزب حق داشت ،
هنگا ميکه مبتکران اين سطاحه سردا محاکوم کرد ، زیرا
واقف بود شرا ئاط لازمه برای برگرا ندن اين شعا ربه يك
شعرا د عمل هنوزرسیده است ، که يك اكسپون قبل از موقع
برولتا ديا به درهم شکستن نيروهای ا منجرخوا هدshed .
از طرف دیگر وضعیتها ئی وجوددا رند ، که حزب در مقابله
ابس ضرورت قرا دمیکردد " درعرض ۲۶ ساعت " شعا دو (۵)
(رهنمود) حادو تصمیم گرفته شده خود را باطل و یا عوض کنند
تا صفو خود را در مقابل دام کشترده شده دشمن مها فنظمت
نماید و یا اجرای رهنمود را موقتا " به يك زمان منا سپتري به
تعویض بیندا زد .
يك جنین حالتی درژوئن ۱۹۷۱ اد پتروگراد وجوددا شست ،
هنگا ميکه سطاحه سردا دقيقا " تدا رک شده کارگرا و سربسا زن
برای روز ۹ (نهم) روش از طرف کميته مرکزی حزب بـ
توجه به تغییر اوضاع " تا کها ن " و دشـ .
وطیقه " حرب درا بین است که ما هرآنه و بموقع
تھيچي را به شعرا های عمل و یا شعرا های عمل را به رهنمود هي
معنی مشخص تبدل بکند ، با هنگا ميکه اوضاع ايجاب ميکند ،
سرمش و قاطعیت لازم را بروزدند ، تا بموقع از اجرای اـ

دوره تا ریختی دیگر بآ خصوصیات کاملاً دیگری با ارزش باشد . هر نقطه عطف تا ریختی بر قشده استرا تزیک که برای وی ضروری است و بروظائف متناسب آن مطبق است . عین همین را در رابطه با امور جنگ می شود تعبیین نمود . استرا تزیک که برای جنگ عليه کلیاک تنظیم شده بود نمی شود .

در همان روزه بود : نقشهه منشوبیکها (پلخانه - مادرست ۱۹۵۰) و نقشهه بلشوپیکها (رفیق لشین ۱۹۵۱) .
استرا شری منشوبیکی نقشهه فرود صریحه اصلی بر علیه سرا رسم را تحت خط مشی ائتلاف بورژوازی لیبرال با پرولتا ریان میکشید . با حرکت از اینکه انقلاب در آن زمان بعنوان انتلاس بورژوازی مطرح بود ، این نقشهه نقش رهبری جنبش را درا خسیار بورژوازی لیبرال و اکذا رمکرو پرولتا ریان را به داشتن نقش " ابوزیسیون کاملاً چیز " نقش " پرسن اسکرند " بورژوازی محکوم کرده ، درحالیکه دهقانان بعثتای بدیکی از مهمنترین نیروهای انقلابی از دیدگاه حذف های تشریبی " حذف میکشد . فهمیدن این مشکل نیست ، که این دلشه از آنها شیکه درکشودی مثل روسبه میلیونها دهقان را از های حذف میکرد ، نویسندگانه تخلی بودوا آنها شیکه سروشوست انقلاب را درست بورژوازی لیبرال فراموشداد (سرکردگی بورژوازی) ارتقا عی بود ، زیرا بورژوازی بجهود امروزی کامل انقلاب علایه ای نداشت و غالباً آناده بجهود های بک مصالحه با ترا ریسم به جنبش خاتمه دهد .
استرا شری بلشوپیکی (رجوع شود به " دو تا کتیک " رفیق لشین) نقشه زدن ضریبه اصلی انقلاب را علیه ترا ریسم تحت خط مشی این تلاف برولتا ریا با دهقانان و خشی نهاده بود

ابن نقطه عطف درا وائل قرن بیستیم ظاهر میشود، در دوره

بورژوازی لیبرال میکشد، با حرکت از این، که بورژوازی لیبرال به پیروزی کامل انقلاب ببورژوا- دموکراتیک علقمند نیست، وا زغفل کارکران و دهقانان سازش با ترا ریسم را برا نقلاب ترجیح میدهد، این نقشه بسمه پرولتاریا بکاره طبقه، انقلابی بیکنیر دروسیه، نقش رهبر جنبش انقلابی را محول کرد.

این نقشه تنها از این جهت شایان توجه نیست که نیتروهای محرك انقلاب را درست به حساب آورده بود، بلکه از این جهت نیز که وی نطفه، ایده، دیکتا شوری پرولتاریا را (هومنی پرولتاریا) در خود نهفته داشت، برای اینکه دیگر داد و ستد نمود. از پیش مبدد و کناره آنرا شهیل نمود.

استرا تریکی را تما م و کمال تائید کرده است.

۳- دو میان نقطه عطف تاریخی و پیشوردی دیکتاتوری پرولتاریا در روسیه

در این دوره درسین شوراها دونقهه، استرا تریکی علیه بیکنیر دمای روزه بودند؛ نقشه، منشویکها و سوسیال دلوسیوپرها و نقشه، بشوشکها.

استرا تریکی منشویکها و سوسیال رولوسیوپرها که در زمان اول درسین شوراها و حکومت مؤقتی، بین انقلاب و پیش از این طرف و آن طوف نوسان میکردد، بالآخره در زمان افستاخ " مشا ورده دموکراتیک " شکل بخودکرفت (سپتامبر ۱۹۱۷) . این استرا تری برای اساس تنظیم شده بود که شورا هاراستد ریج، اما با پافشا ری از قدرت پیش بکشاند و تما م قدرت را داشتند، بیکنیر بسیرون بکشانند و تما م قدرت را داشتند، بیکنیر بارلسان " ، بمنزله سرمشق بک محظس بورژوازی آینده

دو میان نقطه، عطف از فوریه ۱۹۱۷ شروع شد، بعده از سرگونی ترا ریسم، زمانیکه جنگ امپریالیستی شکست

۴ - سروین نهضه عطف و پیشوردی بسوی دیکتاتوری پرولتاریا در اروپا

تمکن نباشد، مسائل جنگ و صلح، ارضی، کارگری و مسئله ملی را به احضار مجلس قانونگذاری محول نمودند، که آنهم بسیم خود به یک زمان نامعین موكول شده بود. همه قدرت بدست مجلس قانونگذاری " - به این شکل سوسیال دلوسیونرها و منشویکها نقشه استراتژیک خود را بیان میداشتند، این نقشهای بود برای آماده نمودن دیکتاتوری بود روزا شی، دیکتاتوری ترومنیز و اطوشیده، "کاملاً" بود روزا زی، دیکتاتوری بود روزا شی.

دموکرات "، اما به حال یک دیکتاتوری بود روزا شی. استراحتی بلشویکی (رجوع شود به تراهای منتشره آوریل ۱۹۱۷ رفیق لنبی) (۷) نقشه زدن ضربه اصلی تحت خط مشی احاطه قدرت بود روزا زی توسط نیروهای متصرف ولتا دیا در شکل دهقان فقیر، سازماندهی دیکتاتوری پرولتا دیا در شکل جمهوری شود راه را داشت. گستین از امپریالیسم و خروج از جنگ، آزادی ملیتها تحت ستم امپراطوری ساق در وسیله سلب مالکیت از مالکان ارضی و سرمایه داران، آماده نمودن شرائط برای سازماندهی یک اقتصاد سوسیالیستی - اینها بودند عناصر نقشه استراحتی بلشویکها در دوره "همه قدرت بدست شوراها" - به این شکل بلشویکها نقشه اسตราحتیکی خود را بیان میداشتند. این تنها از این نظر هم نبود که این نقشه تبروک انتقالب نوبنده برولتاریا را در دروسیه درست بخواه آورده بود، بلکه از این نظرهم، که او ببدأ ریاست جنگ اتفاقی در غرب را تسهیل نمود و تسریع کرد.

تکامل بعدی و تابع تاسونگونی اکتبر صحت این نقشه استراحتیکی را شمام و کمال تائید کرده است.

سومین نقطه، عطف با سرنگونی اکتبر شروع گشت، هنگامیکه مرک و زندگی بردوگرده امپریالیستی غرب به نقطه ای خود رسیده بود، هنگامیکه در غرب آشکارا یک بحران انتظامی پخته میشد، هنگامیکه قدرت و رشکته و در تفا دها شده شده قدرت دولتی بود روزا شی در وسیله زیر ضربا انتقلاب بودن ربانی از هم پا شده شده بود، و قیکه انتقلاب بودن ربانی پیروز و مندبا کستن از امپریالیسم و خروج از جنگ دشمنان سوکنده خود را دار شکل انتلافات امپریالیستی بود بطری خود جلب کرده بود، هنگامیکه اقدامات قسا نون گداری حکومت نویس، حکومت شوروی در راه، صلح، مصاله رهیان های مالکان ارضی، سلب مالکیت از سرمایه داران و آزادی ملیتها تحت ستم، اعتماد میلیونها توده، زحمکش سراسر جهان را بخود جلب میکرد. این نقطه عطفی در فرقه سنجها میشد، زیرا برای نحسین مرتبه جبهه، جهانی سرها به شکافته میشد، برای اولین بار سرنگونی سرمایه داری عطا در دستور روز قرار میگرفت. بین ترتیب اتفاق اکتبر از یک تبریزی ملی و دوی به یک تبریزی جهانی

وکارگران دوسي از يك لشکر عقب افتاده برولتا رسپساي بين المللی به پيشا هنگ وی ، که با مها رده واخزود کذشکي خوش كارگران غرب و کشورهای تحت ستم شدند را بيدار ميکرد ، تبديل شد .

ابن نقطه عطف در تکا مل خود هنوز پايان نيا فته است . زيراوي هنوز در مقیاسها سین بین المللی توسعه نبا فته است . اما مضمون و سمعت عمومی آن تاکنون باندازه کافی روشن بيدار شده است .

ساقا " دونقهه استراتژیک در محاذيل سپا سی روسيه در مقابل هم در مبارزه بودند : نقشه فدا نقلابيون ، که بخشن فعال منشويکها و سوسپا ولوسيون هارا در سازمانشان مشكل کوده بودند و نقشه بشويکها .

فدا نقلابيون و سوسپا ولوسيون هارا فعال و منشويکها نقشه شان بريا به جمع آوري کلیه عناصر را ضد درجهه : گروه قدیمی افسران ارتش در جبهه و پشت جبهه ، دول بودزوايی - تا سپوتانیستی در سرمهینهاي مرزي ، سرمهایه داران و مالکان سلب مالکیت شده توسط انقلاب و جاسوسان آنهاست که تهاجم را مادر مینمودند و غيره ، بود . آنها اين راه را در پيش گرفتند ، که توسط قبایها با از طریق تهاجم خارجی حکومت شوراها را سرنگون بینمايند و در پیغم سرتپیداره را داده در دروسیه بريا کنند .

بلشویکها بر عکس ، نقشه شان بريا به تحکیم مواضعه داشتند ، در حالیکه قدرت شوراها و سازمان بین المللی برولتري به مهمترین سلاح برای سپا سنت برولتا ریای جهانی شدند .

استرا تزی بشويکها سخن ميرا شد .

" برا ودا شماره ۵۶ " ۱۹۲۳ مام سا رس " .

اما عی پرولتا ریای روسیه با مسا عی پرولتا ریای اروپا

و مالک تحت ستم شرق بر عليه ا میرپا لیسم جهانی بود . هیک بینا کا ملا شاپا ن توجه دقیق و مختصر این نقشهه استرا تزی را دقيق لشکر درسا لاما ش " انقلاب برولتري و کا شوکی مرتد " بدمت داده است : " هذا على آنجیزی کارگران عمل بکنید که دریک کشور (کشور خود . ی - استالین) تکا مل ، مسا عدت ، شعله و رسا ختن انقلاب در کل کارگران نهانک دنبیا قابل اجراء میباشد . " از ش این نقشهه استرا تزی تنها در این نیست که نیروهای محرك انقلاب بینا را درست بحساب آورده است ، بلکه همچنین در این سمت که روئی را که بعدها ظاهر شد پیش بینی کردند و آنرا تسهیل نمود و توسط آن روسیه شوروی مرکز توجهه بینش انقلابی سرا سر جهان شد ، به بترجم آزادی کارگران طوب و مستعمرات شرق تبديل گردید .

تکا مل بعدی انقلاب در سراسر جهان و همچنین پنج سپا سال بعدت شوروی در روسیه صحت این نقشه استرا تزی را در تمام و کمال تائید نمود . واقعیتها ئی نظر اینکه فدا نقلابيون و سوسپا ولوسيون هارا منشويکها ، که چندین بار کوشش کرددند قدرت شوروی را سرنگون نمایند ، اکنون در مهاجرت شدند ، در حالیکه قدرت شوراها و سازمان بین المللی برولتري به مهمترین سلاح برای سپا سنت برولتا ریای جهانی شدند .

استرا تزی بشويکها سخن ميرا شد .

" برا ودا شماره ۵۶ " ۱۹۲۳ مام سا رس " .

نحوه حکایات

۳ - گروه " آزادی کار " اولین گروه مارکسیست دوسرے که در سال ۱۸۸۱ در زئون توسطگ و پلخانف بنیان گذاشتند . (درباره کارکرد گروه و نقش تاریخی آن رجوع شود به تاریخ مختصر حزب کمونیست بلشویک)

دوس) .

۲ - در اثنای تظاهرات توده‌ای - سپا سی در پتروگراد

در ۱۰ و ۱۱ اوریل گروهی از اعضای کمیته، پتروگراد عرب بلشویک (با گذاشتیف و دیگران) برخلاف دستورات کمیته مرکزی بلشویکها پیش تراز خصلت مسالمت جویا نه تظاهرات شمار سرکشی فوری دولت وقت را برقرار کرده بودند.

کمیته، مرکزی حزب رفتار این ماجراجویان " چب " را محکوم شد (رجوع شود به کلیات آثار و ۱ . لینین طبعه ۲ دویی جلد ۲۴ صفحه ۱۸۱ - ۱۸۱) .

۵ - دو تا کتب سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک " درباره انقلاب اکتبر "ی . استالین سال ۱۹۲۱ در مسکو

انتشار یافت .

۶ - کمپسیون ارتباط مشکل از چاپیزه ، اشتکلف

موهابن ، فیلیپوفسکی و اسکوبلف (بعدا " هم چرخنده آن شدند) و از جانب کمیته اجرائی منشویکی سویا در ولسویشی شورای کارگران - نهاد پنداشان سویا در تاریخ ۷ مارس ۱۹۱۷ برای برقراری ارتباط بار داشت موقتی ، برای " ناء شیر " روی آن و برای کنسل آن به کاربرده شد .

۷ - " کمپسیون ارتباط " مشکل از چاپیزه ، اشتکلف

دھقانی . م - سوردلوف .

- ۱ - رسالت درباره مسئله استراژی و تاکتیک کمونیستهای روسی . استالین در شماره ۶۵ " برآدا " بتاریخ ۱۴ مارس ۱۹۲۳ انتشار یافت و به ۲۵ میان سالکرد حزب کمونیست روس (بلشویک) " تقدیم شد .
- ۲ - رسالت همینطور در شماره های ۷/۵/۵۸/۵۹ " برآدادی پتروگراد " بتاریخ ۱۴/۱۵/۱۶ مارس ۱۹۲۳ و در شمسیا ره ۷ نشریه " انقلاب کمونیستی " به تاریخ اول آوریل ۱۹۲۳ آورده شد . بعد از این رسالت ثبت نشاند
- ۳ - انقلاب اکتبر و استراژی کمونیستها روس " درساشه درباره انقلاب اکتبر "ی . استالین سال ۱۹۲۱ در مسکو
- ۴ - داشکا ه سوردلوف - داشکا ه کمونیستی کارگری - دھقانی . م - سوردلوف .
- ۵ - داشکا ه سوردلوف در سال ۱۹۱۸ در کنگره عمومی به استکاری . م سوردلوف در سال ۱۹۱۸ در کنگره عمومی (ZEK) دوره های آموزشی کوتاه مدتی برای تبلیغات و تهییج بسیج شد که در تاریخ ۳ آنوریه ۱۹۱۹ به مدرسه کارگری شوراها تغییر نام داد . براساس این مدرسه و طبق مصوبه کنگره هشتم حزب کمونیست بلشویک روس مدرسه مرکزی برای کارگران و حزب تشكیل شد . در نیمه دوم سال ۱۹۱۹ مدرسه مرکزی کار شوراها و حزب به داشکا ه کمونیستی کارگر - دھقانی . م . سوردلوف تغییر نام داد .

"کنترل" فعالیت آن بکاربرده شد .
درواقع "کمپیسیون ارتباط" به دولت مؤقتی برای
اجرای سپاست بود رژیوانی آن باید رساند و توده های کارگری
را از شرکت در میان رزنه، فعال انقلابی برای گذار تمثیل
قدرت به شوراها باز میداشت . "کمپیسیون ارتباط" تا
ماه مه ۱۹۱۷ وجود داشت و بعضاً به نهاده منشویکه ها
و موسیل دولو سیورها مستقیماً وارد دولت مؤقتی شدند .
۷ - "درباره وظائف پرولتاریا در انقلاب کنونتی"
(جمیع شود به کلیات آثار طبع ۴ جلد ۲۴ صفحه ۷ - ۱) .